

Qualitative analysis of semantic network "power"; An attempt to understand the pattern of "soft power" in the Holy Qur'an

Mohammad EtratDoust *

One of the requirements of the Islamic religion is to receive the Holy Qur'an's viewpoint in the face of new issues, but before this it is important and necessary to address the "proper research method" for discovering and identifying the verses associated with that subject and is a major step in interdisciplinary research in the field of Islamic sciences. Among the new theories proposed in recent times, is the issue of "soft power" and its components and resources in human societies. Although this theory was originally proposed by Western scholars, it has always been questioned whether the Holy Qur'an has a theoretical background? And by which method can the verses be accessed in this field? And finally, how and on what basis can a valid theory be discovered without entering the domain of interpretation into a vote?

In this paper, in an interdisciplinary approach, using methods of research "structural semantics" and "qualitative content analysis", the semantic network of the concept of "power" has been identified, including the words of the companion and the successor in the Holy Qur'an, then by qualitative analysis Their themes and categorization of the contents of the content analysis tables, components and components of the theory of soft power from the perspective of the Holy Qur'an are extracted.

Keywords: The Holy Quran, Power, Soft Power, Structural Semantics, Qualitative Content Analysis, Pattern.

* Assistant Professor in Department of Islamic Education, Faculty of Humanities, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran. etratdoost@sru.ac.ir

تحلیل محتوای کیفی شبکه معنایی «قدرت»؛ تلاشی برای فهم الگوی «قدرت نرم» در قرآن کریم

محمد عترت دوست*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

مدت زمان انجام اصلاحات توسط نویسنده: ۱۲ روز

چکیده

از جمله بایسته‌های دین مبین اسلام در مواجهه با مسائل مستحدثه و نظریات جدید، استنتاج از قرآن کریم و طرح پرسش از این کتاب آسمانی است، اما قبل از طرح بحث به منظور پاسخگویی به این سؤال که دین مبین اسلام چه نظری در باب موضوعات جدید دارد، پرداختن به «روش تحقیق» مناسب و کارآمد برای کشف و شناسایی آیات مرتبط با آن موضوع، از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار بوده و گام اساسی در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای برای تحول در حوزه علوم اسلامی است. از جمله نظریه‌های جدید مطرح شده در عصر اخیر، موضوع «قدرت نرم» و مؤلفه‌ها و منابع ایجاد آن در جوامع انسانی است. اگرچه این نظریه ابتدا توسط اندیشمندان غربی مطرح شده، اما این سؤال همواره مطرح بوده که آیا قرآن کریم نیز در این زمینه نظریه‌ای دارد؟ و با کدام روش می‌توان به آیات مناسب در این زمینه دسترسی پیدا کرده؟ و در نهایت چگونه و بر اساس چه مبنایی، می‌توان نظریه معتبر را بدون ورود به حوزه تفسیر به رأی، کشف و شناسایی نمود؟ در این مقاله تلاش شده تا در یک رویکرد میان‌رشته‌ای و با استفاده از روش‌های تحقیق «معناشناسی ساختاری» و «تحلیل محتوای کیفی»، در ابتدا شبکه معنایی مفهوم «قدرت» شامل واژگان همنشین و جانشین در قرآن کریم شناسایی شده، سپس با تحلیل کیفی مضامین آنها و مقوله‌سازی از مضامین مستخرج از جداول تحلیل محتوا، مؤلفه‌ها و ارکان نظریه قدرت نرم از منظر قرآن کریم استخراج شود. بدیهی است انجام این‌گونه پژوهش‌ها، اقدامی در راستای معرفی روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای جهت استنتاج از این کتاب آسمانی در مواجهه با مسائل مستحدثه و جدید است.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، قدرت، قدرت نرم، معناشناسی ساختاری، تحلیل محتوای کیفی، الگو پردازی.

طرح مسئله

آیات متعددی در قرآن کریم بر این مطلب تأکید دارند که ریشه و اساس همه علوم مورد نیاز هدایت و قوام افراد و جوامع بشری در این کتاب آسمانی بوده: «و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ» (النحل: ۸۹)، «وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۵۹) و کراراً انسان‌ها را به تعقل و تفکر در آموزه‌های این کتاب دعوت کرده است: «إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (رعد: ۴)، «أَفَلَا يَعْقِلُونَ» (یس: ۶۸) و «كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (یونس: ۲۴).

بی‌شک، منظور از این آیات، بیان این مسئله است که اصول و مبانی کلی هر علم و دانشی در قرآن کریم بوده و راهکار پاسخگویی به کلیه نیازمندی‌ها و مسائل مستحدثه جوامع مدرن نیز از خلال توجه به مفاهیم آیات قرآن کریم، قابل‌برداشت است. از این روی شایسته است اندیشمندان حوزه‌های مختلف دانش بشری، در کنار توجه تخصصی به مباحث رشته علمی خود، به این کتاب آسمانی به‌عنوان راهنمای کلی هدایت و سعادت نیز توجه کرده و آموزه‌های وحیانی آن را به‌عنوان تابلوهای راهنمایی و هدایت به سمت مسیر صلاح و فلاح، مدنظر قرار دهند.

از جمله نظریه‌های جدید مطرح شده در عصر اخیر، موضوع «قدرت نرم»^۱ و مؤلفه‌ها و منابع ایجاد آن در جوامع انسانی است. بدیهی است که اصول و کلیات این موضوع در قرآن مطرح شده است، اما چگونه می‌توان نظریه قرآن در خصوص مؤلفه‌ها و ارکان قدرت نرم را استخراج نمود؟ و کدام روش تحقیق جهت نیل به این مقصود مناسب‌تر است؟

به‌منظور پاسخگویی به سؤالات فوق، این پژوهش به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای در حوزه متن پژوهی، الگویی جهت استخراج بسیاری از موضوعات جدید و نوخاسته از نصوص دینی ارائه کرده و به‌عنوان نمونه یکی از این موضوعات را نقد و بررسی نماید.

فرضیه مطرح در این مقاله آن است که از منظر قرآن کریم، منابع نرم قدرت در عرض منابع سخت قدرت به‌شمار نمی‌آیند؛ بلکه منابع ذاتی و اولیه قدرت، هنجاری و تمامی منابع سخت‌افزاری موجود در صورت ارتباط با آن حوزه‌ی هنجاری است که معنا و مفهوم یافته و کارآمد ظاهر می‌شوند. به همین خاطر است که برقراری ارتباط بین «قدرت سیاسی» با «نظریه توحید» (به مثابه منبع اصلی تولید قدرت نرم) و تلاش در راستای تقویت و صیانت از آن، از جمله رسالت‌های اولیه و بنیادین نظام‌های اسلامی به‌شمار می‌آید؛ رسالتی که می‌تواند به ارتقاء

^۱- Soft Power

جایگاه جامعه اسلامی و برتری آن در عرصه عمل سیاسی منتهی شود (ر.ک: افتخاری و هرسیج و مرتضوی، ۱۳۹۴، صص ۱۱۰-۱۳۸).

اگرچه در رابطه با موضوع قدرت نرم در قرآن کریم، کتب و مقالات متعددی نگاشته شده است، ولیکن هیچکدام به سوالات اصلی این تحقیق اشاره ندارند. به عنوان مثال در مقاله «نظریه قدرت نرم در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب» صرفاً به یک مطالعه تطبیقی و آسیب‌شناسی نظرات اندیشمندان غربی پرداخته شده و روشی برای استخراج نظریه و الگوی قدرت نرم از قرآن کریم معرفی نشده است (ر.ک: افتخاری و کرباسی و کمالی اندانی، ۱۳۹۴، صص ۹-۲۴). در مقاله «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر آیات قرآن» نیز بیشترین اهتمام بر مطابقت رفتاری جمهوری اسلامی ایران با اصول و مبانی قرآنی بوده و کمتر از مؤلفه‌های قدرت نرم صحبت شده است (ر.ک: افتخاری و هرسیج و مرتضوی، ۱۳۹۴، صص ۱۱۰-۱۳۸). همچنین در مقاله «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار: رویکرد قرآنی» نیز صرفاً به موضوع کفر و استکبار و چگونگی استفاده دشمن از ابزارهای قدرت نرم پرداخته شده و کمتر به نگاه قرآن کریم در این خصوص توجه دارد (ر.ک: آقامهدوی و نادری‌باب اناری، ۱۳۹۰، صص ۱۶۷-۲۰۴).

وجه نوآوری این پژوهش که باعث تمایز آن از دیگر پژوهش‌های مشابه شده است اولاً؛ تلاش برای پرداختن به یک موضوع جدید و نشان دادن قابلیت و کارآمدی دین اسلام در پاسخگویی و نظریه‌پردازی در حوزه دانش‌های مختلف بوده، ثانیاً؛ استفاده هوشمندانه از روش‌های تحقیق متن پژوهی برای کشف و استخراج موضوعات قرآنی می‌باشد که در این زمینه دو روش «تحلیل محتوا» و «معناشناسی» را معرفی نموده است. ثالثاً؛ استفاده تلفیقی و ترکیبی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای جهت دستیابی به یک سامانه کامل و تصویرسازی از آنچه در لایه‌های عمیق و بطون آیات قرآن کریم در این خصوص نهفته شده، از دیگر ویژگی‌های خاص این پژوهش است که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

۱. روش تحقیق مناسب برای شناسایی موضوعات قرآنی

همان‌گونه که اشاره شد، یکی از مهم‌ترین اهداف این مقاله، تبیین و تئوریزه کردن روش‌های تحقیق مناسب و کارآمد برای کشف و شناسایی موضوعات پژوهشی در نصوص دینی، به‌ویژه قرآن کریم است. اگرچه روش‌های تحقیق متعددی وجود دارند که می‌توان از آنها برای پژوهش در میان آیات قرآن کریم استفاده نمود، اما از آنجاکه مؤلف تاکنون پژوهش‌های متعددی با استفاده

از روش‌های متن‌پژوهی در نصوص دینی انجام داده است، در نهایت به این نتیجه رسیده که یکی از روش‌های تحقیق مناسب برای بحث از موضوعات جدید در قرآن کریم، استفاده هم‌زمان و توأم از دو روش «معناشناسی ساختاری» و «تحلیل محتوای کیفی» می‌باشد که هرکدام کارکردهای خاص خود را داشته و شامل فنون و تکنیک‌های متعددی می‌شوند. لذا در ادامه تلاش شده تا ابتدا فرآیند شکل‌گیری روش‌های تحقیق و ضرورت استفاده از روش‌های تحقیق جدید و متناسب با منبع تبیین شده و در ادامه این دو روش تحقیق انتخابی، معرفی شوند.

۱-۱. فرایند شکل‌گیری روش‌های تحقیق و ضرورت انتخاب روش تحقیق مناسب

در پروسه تاریخی توسعه «متدولوژی تحقیق»^۱ در علوم ارتباطات، شاهد سه دوره متمایز از همدیگر می‌باشیم که در طی آن روش‌های تحقیق تکامل پیدا کرده‌اند. در مرحله نخست، نگاه کمی به «متن»^۲ در پژوهش‌های تاریخی - ادبی مطرح گشت که بر اساس آن ابتدا روش «تحقیقات کمی»^۳ مطالب مطرح شد که عمدتاً پس از سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. با ورود کامپیوتر به عرصه تحقیقات در دهه ۱۹۶۰م و توجه به نشانه‌شناسی و ارتباطات غیرکلامی در بررسی‌های زبان‌شناختی نیز پس استفاده از روش «تحلیل محتوا»^۴ به‌عنوان بهترین روش تحلیل در آن زمان که ریشه در دیدگاه کمی مزبور داشت، پای به عرصه تحقیقات علمی اندیشمندان گذاشت. در این فرایند «کمیت» و به‌طور کلی نگاه کمی^۵ به متن به‌ویژه «عدد»، کلید اصلی حل معمای فهم متن بشمار می‌رود و اساس هرگونه تحلیل قرار می‌گیرد.

این نگاه گرچه هم‌زمان با توسعه علوم اجتماعی و ارتباطی جای خود را به نگاه کیفی^۶ می‌دهد، اما هیچ‌وقت از صحنه تحقیقات اندیشمندان خارج نمی‌شود. گویا آنچه در آغاز هر تحقیق به ذهن محقق می‌آید، رقم و عدد و شمارش است و این خود نشان‌دهنده این است که کلمات هر متن، بخشی از واقعیت موجود در ذهن نویسنده و خواننده را تشکیل می‌دهد، اما به‌هرحال نمی‌تواند همه واقعیت را بیان کند (بشیر، ۱۳۸۴، ص ۳).

اما از آنجاکه شناخت و درک عمیق از معناهای نهفته در متون، مستلزم استفاده از روش‌های تحلیل کیفی در این عرصه است، به‌تدریج از اواخر دهه ۵۰ روش‌های تحلیل کیفی پای به عرصه وجود گذاشتند. بر این اساس پس از مرحله نگاه کمی، مرحله نگاه کیفی به متن و بهره‌برداری

1- Research Methodology

2- Text

3- Quantitative Technique

4 Content Analysis

5 Quantitative Perspective

6 Qualitative Perspective

از روش کیفی^۷ فرامی‌رسد. در این روش «معنا»^۸ در کنار عدد اهمیت خاص خود را پیدا می‌کند. "مفهوم" و "معنای" متن از مجموع کلی کلمات، علاوه بر مفهوم و معنای جزئی کلمات به دست می‌آید. در این روش معنای کلی و انتزاعی جدیدی از متن به دست می‌آید که الزاماً از مجموع تک تک معانی کلمات بدست نخواهد آمد.

روش «معناشناسی» با توجه به این نگاه، به عنوان تحلیل کیفی^۹ برتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مرحله معنا در هر دو حالت خود، چه با استفاده از کلمات موجود در متن و چه از کلمات نانوخته شده در متن و تحلیل علت عدم درج آنها، با توجه به واقعیت‌های موجود و بالاخره با تکیه بر معنای ظاهری کلمات و نیز معنای فرا ظاهری کلمات که معمولاً خارج از معنای انفرادی کلمات بوده، اساس تحلیل قرار می‌گیرد (پاکتچی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸).

در پژوهش حاضر، برای دستیابی به الگوی جامع و کاربردی قدرت نرم از منظر قرآن کریم، تلاش شده است تا با بهره‌گیری از دو روش تحقیق «تحلیل محتوای کیفی» و «معناشناسی ساختاری» که هر کدام متعلق به دو حوزه مختلف از دانش‌های بشری می‌باشند، نتایج به دست آمده از هر کدام را با یکدیگر تلفیق نموده و از رهاورد همپوشانی و تلفیق نتایج به دست آمده در طی فرایند پژوهش، در نهایت الگوی جامع مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر قرآن کریم استخراج شود.

۲-۱. معرفی اجمالی روش «معناشناسی ساختاری»

«معناشناسی»^{۱۰} یکی از روش‌های نوین در مطالعات قرآنی است. این روش به دنبال آن است تا با مطالعه علمی معنا، به استخراج معنای نهفته در متن و کشف لایه‌های معنایی آن بپردازد. به همین دلیل، از سویی یک مفهوم کلیدی را به عناصر و اجزاء ذاتی (مؤلفه‌های معنایی) خود تجزیه می‌کند و از سوی دیگر، هر مفهوم کلیدی را با مفاهیم پیرامونی آن گرد می‌آورد، تا تصویری کامل از آن ارائه نماید و برای این منظور، هر آنچه در وضوح این تصویر به کار آید، مورد استفاده قرار می‌دهد. ریشه‌شناسی واژه، بررسی هم‌نشین‌ها و جانشین‌های آن و توجه به سیاق، مترادف‌ها و متضادهای یک واژه، بخشی از این تلاش‌هاست (مختار عمر، ۱۳۸۶، ص ۱۹).
نگاهی به مطالعات معناشناسی در پژوهش‌های قرآنی نشان می‌دهد که این علم با ارائه راهکارهایی نظام‌مند برای این قسم تحقیقات، علاوه بر ارائه تعریفی دقیق از مفاهیم مورد مطالعه و تبیین جایگاه آن مفهوم در میان سایر مفاهیم قرآنی، موفق به کشف لایه‌های جدیدی از یک

⁷ Qualitative Method

⁸ Meaning

⁹ Qualitative Analysis

¹⁰ Semantics

مفهوم گشته و در تعمیق معانی مستخرج از آیات نقشی به سزا داشته است (صفوی، ۱۳۸۲، ص ۳۱).

معناشناسی در تجزیه و تحلیل کلام، متن را مجموعه‌ای منسجم و معنادار می‌داند. بنابراین تحلیل معناشناختی بر این اصل استوار است که متن، محل شکل‌گیری فرآیند معنایی است. به زبان دیگر، معناشناسی مطالعه علمی معناست و به توصیف پدیده‌های زبانی در چارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری می‌پردازد. بنابراین اگر «نشانه‌شناسی»^{۱۱} دانش درک معنا و «کاربردشناسی»^{۱۲} مطالعه معنا با توجه به گوینده و شنونده باشد، «معناشناسی» مطالعه انتقال معنا از طریق زبان و مستقل از گوینده و شنونده است (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۳۵ و ۴۲).

یکی از شاخه‌های مهم معناشناسی، «معناشناسی ساختاری» است که به درک روابط و مناسبات معنایی درونی یک سیستم زبانی (متن) می‌پردازد. در بحث روابط معنایی، هم به روابط مفهومی، یعنی رابطه مفاهیم نسبت به یکدیگر در نظام زبان چه در سطح واژگان و چه در سطح جملات پرداخته می‌شود. به‌طور کلی ساختارگرایی به‌عنوان یک روش علمی، سابقه‌ای دیرینه دارد؛ اما علم معناشناسی ساختاری که به بررسی ارتباط یک عنصر معنایی با عناصر معنایی موجود در یک مجموعه از متن می‌پردازد، در قرن حاضر رواج یافته است. یکی از مؤلفه‌های مطرح در معناشناسی ساختاری، «روابط بینامتنی»^{۱۳} است که از ارتباط یک واژه با سایر واژه‌ها پدید می‌آید و در سطح جمله و متن قابل بررسی است؛ این روابط شامل روابط هم‌نشینی، جانشینی و سیاق است (حدادی، ۱۳۸۹، ص ۷۲).

۳-۱. معرفی اجمالی روش «تحلیل محتوا»

روش «تحلیل محتوا»^{۱۴} که روشی علمی برای تفسیر «متن»^{۱۵} است، از جمله روش‌های تحقیقی است که در حوزه علوم انسانی، به‌خصوص در رابطه با زیررشته‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی و ارتباطات کاربرد داشته و به علت اینکه نتایج به‌دست‌آمده از طریق این روش، دارای اعتبار و روایی بالایی می‌باشند، بسیار مورد توجه محققین و پژوهشگران عرصه‌های مختلف قرار گرفته است.

1. Semio - Semantic
12. Pragmatics
13. Inter textuality
14. Content Analysis
15. Text

«لورنس باردن» در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» اشاره می‌کند که «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به‌منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و مانند آن برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند» (باردن، ۱۳۷۵، ص ۲۹).

برای فهم بهتر این روش باید گفت که بررسی‌های متعارف اجتماعی معمولاً مبتنی بر پرسشنامه هستند، یعنی آنچه توسط پژوهشگر تحلیل می‌شود، پاسخ‌هایی است که به پرسش‌های پرسشنامه او داده شده است، اما در روش تحلیل محتوا درست برعکس عمل می‌شود و به همین دلیل این فن را گاهی فن «پرسشنامه معکوس»^{۱۶} نیز می‌نامند. پرسشنامه نامعلوم است و هدف تلویحاً یافتن این پرسشنامه بر اساس پاسخ‌هایی است که پیشاپیش طی خبرها، مقاله‌ها و داستان‌ها داده شده و یا به عبارتی در این روش اسناد گفتاری چنان تحلیل می‌شوند که گویی جواب سؤال‌های پرسشنامه هستند (فیروزان، ۱۳۶۰، ص ۲۱۱).

مزیت‌های خاص این روش عبارتند از: استناد به‌طور دقیق انجام می‌شود؛ استفاده از آن ساده‌تر است؛ به تخصص ویژه‌ای نیاز ندارد؛ و بخش عمده‌ای از اطلاعات لازم برای شناسایی در آن جمع‌آوری شده‌اند (کرپیندورف، ۱۳۷۸، ص ۳۵).

زمینه‌های اصلی کاربرد این روش نیز عبارتند از: شناخت موضوع و جوانب آن، شناسایی نظریه‌ها، شناسایی مطالعات و تحقیقات قبلی در این زمینه، جمع‌آوری اطلاعات و انتخاب و تدوین الگوی تحلیلی (عزتی، ۱۳۷۶، صص ۲۱۲-۲۱۳).

عمده‌ترین کاربردهای تحلیل محتوا نیز عبارتند از: مطالعه اطلاعات به‌منظور پاسخ دادن به این سؤالات که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید» (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱، ص ۲۲۲).

از قابلیت‌های این روش در مطالعات قرآنی؛ امکان تفکیک آیات قرآنی، طبقه‌بندی موضوعات، دسته‌بندی مضامین استخراج شده و چینه‌ساز مقله‌های ساخته شده توسط محقق در کنار یکدیگر می‌باشد که در نهایت این امکان را فراهم می‌آورد تا محقق بتواند بر مبنای آنچه کشف و استخراج کرده، الگو و مدل تولید شده خود را به تصویر بکشد (ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۰، کل اثر).

¹⁶ Inverse Questionnaire

در رابطه با فن انتخاب شده برای تحلیل محتوای آیات قرآنی در تحقیق حاضر، باید گفت که پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف پیرامون آن بحث شده، برای این‌گونه پژوهش‌ها، فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد جملات و به صورت کمی و کیفی و با تأکید بر کلید واژگان اصلی و فرعی انتخاب شده است. مضامین، مفاهیم، نقاط تمرکز و جهت‌گیری هر کدام از عبارات آیات قرآنی نیز بر این اساس استخراج و در جداول تحلیل محتوا تنظیم شده است.

به عبارت دیگر ابتدا با نگاه به واژگان کلیدی هر آیه، مفاهیم اولیه تشکیل‌دهنده، مضامین و نقاط تمرکز آن استخراج شده که بیانگر کلیت فضای حاکم بر هر آیه است. در مرحله دوم با درج عبارات آیه در جداول تحلیل محتوا، به استخراج جهت‌گیری‌ها و نقاط تمرکز هر کدام از جملات تقطیع شده پرداخته‌ایم.

پس از جمع‌آوری کلیه آیات قرآنی نیز، فرایند تحلیل محتوا و تبدیل جملات به گزاره‌ها و مضامین و استخراج موضوعات اصلی و فرعی آغاز می‌شود که چگونگی یافتن آنها و نتایج حاصل از آن به شرح ذیل می‌باشد:

۱. شناسایی واژگان کلیدی مرتبط با موضوع، با استفاده از روش معناشناسی
۲. استخراج آیات قرآنی هم‌خانواده و مرتبط با شبکه معنایی واژگان کلیدی تحقیق
۳. تجمع کلیه آیات در نرم‌افزار «اکسل»^{۱۷} و تفکیک آنها بر اساس موضوع
۴. بررسی محتوای هر آیه جهت یافتن موضوع اصلی آن
۵. بررسی کامل عناصر تشکیل‌دهنده هر آیه جهت یافتن موضوعات فرعی آن. (منظور از موضوعات فرعی، عناوینی می‌باشند که هر چند به صورت مستقل در متن آیه و به صورت موضوع اصلی مطرح نشده‌اند، لیکن تشکیل‌دهنده مفهوم اصلی آن هستند)
۶. ثبت سؤالات و نکات قابل توجه در خصوص هر آیه در قسمت یادداشت‌های نظری تحقیق جهت تحلیل محتوای کیفی آن. (منظور از این اقدام، ثبت تحلیل‌های توصیفی اولیه است که هر چند به اثبات نرسیده‌اند، اما در ادامه مسیر می‌توانند راهگشای محقق در تحلیل‌های کیفی باشند)
۷. بررسی و تحلیل موضوعات اصلی هر آیه به منظور ایجاد یک دسته‌بندی موضوعی.
۸. بررسی و تحلیل موضوعات فرعی هر آیه، به منظور ایجاد یک طبقه‌بندی مضمونی برای هر موضوع.

17. Excel

۹. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات اصلی آیات در قالب نمودار.
 ۱۰. استخراج اطلاعات آماری از موضوعات فرعی هر دسته در قالب نمودار.
 ۱۱. تحلیل کیفی آیات قرآنی هر دسته بر اساس نتایج حاصل از تحلیل‌های کمی.
 ۱۲. مدل‌سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق.
- در حقیقت این امور ۱۲ گانه، روش تحقیق و عملکرد محققان در این‌گونه پژوهش‌ها را نشان می‌دهد که در ابتدای کار و پس از مطالعه روش تحقیق به صورت اجمالی مشخص شده و در طول تحقیق نیز به صورت تفصیلی، تبیین شده است. به عنوان نمونه، قالب جدول تحلیل محتوای آیات قرآنی در نرم‌افزار اکسل بدین صورت است:

جدول ۱: نمونه جدول تحلیل محتوای آیات قرآنی

سوره	آیه	متن آیه	کلید واژگان	موضوع اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	یادداشت‌های نظری
						A1	
						A2	
						A3	

۲. معناشناسی «قدرت» در قرآن کریم

از آنجاکه برای تبیین مفهوم و معنای «قدرت» و «قدرت نرم» در قرآن کریم، ابتدا لازم است نظر اندیشمندان غربی بیان شود تا بتوان در نهایت مقایسه خوبی میان آنها داشت، لذا در این بخش ابتدا برخی از نظرات و تعاریف اندیشمندان غربی مطرح شده و سپس به سراغ تبیین این مفهوم در قرآن کریم خواهیم رفت:

۲-۱. مفهوم «قدرت» و «قدرت نرم» از منظر اندیشمندان غربی

«قدرت»، توانایی و ظرفیت انجام کارها، توانایی کسب نتایج دلخواه و توان تأثیرگذاری بر رفتار دیگران است (ر.ک: گلشن پژوه، ۱۳۸۷، ص ۲۱). لغت شناسان نیز قدرت را توانایی انسانی بر انجام یا ترک کاری دانسته‌اند، به این معنا که اگر بخواهد و اراده کند، بتواند آن را انجام دهد یا از انجام آن سر باز زند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹۴؛ طریحی، ص ۴۶۶).

برخی در بیان مفهوم قدرت به بیان تعریف‌های ساده بسنده می‌کنند، اما باید توجه داشت که «مفهوم‌پردازی»^{۱۸} از «قدرت نرم»، مسئله دیگری است. قدرت نرم در دیدگاه غربی را می‌توان

18- Conceptualization

تحت سه رهیافت «جذابیت»، «اثرگذاری غیرتهدیدآمیز» و «کارایی» طبقه‌بندی نمود که در منابع مختلف به تفصیل معرفی شده است (افتخاری و دیگران، ۱۳۹۴، صص ۹-۲۴) اما در این میان، تعاریف ذیل با توجه به رویکرد تحقیق حاضر شایسته مطالعه و تأمل است: الف) «قدرت نرم مفهوم بسیار گسترده‌تری از اختیار دارد و عبارت است از توانایی افراد یا گروه‌ها در برانگیختن یا نفوذ کردن در باورها^{۱۹} یا کنش‌های^{۲۰} اشخاص یا گروه‌های دیگر» (French & Raven, 1959, p.23).

ب) «قدرت نرم، توانایی اعمال نفوذ، توان تغییر نگرش‌ها یا رفتار افراد و گروه‌ها می‌باشد. قدرت نرم مبتنی بر یک رابطه اجتماعی است که فرد بتواند اراده و نظر خود را به دیگران بقبولاند، حتی اگر آن نظر مخالف نظر سایرین باشد» (لوکس، ۱۳۷۰، ص ۶۰). این مفهوم به گونه‌های مختلفی مورد بررسی قرار می‌گیرد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- «قدرت فرماندهی»^{۲۱} توانایی تغییر آنچه دیگران انجام می‌دهند که می‌تواند بر توسل به زور یا تشویق متکی باشد.

۲- «قدرت متقاعد کردن»^{۲۲} توانایی شکل‌دهی به آنچه دیگران می‌خواهند که می‌تواند بر جذابیت‌های فرهنگی یا ارزشی، و یا قابلیت نفوذ و تغییر در چینش اولویت‌های سیاسی در یک موضوع خاص به گونه‌ای که اولویت‌های دیگران به دلیل غیرواقعی به نظر رسیدن مورد توجه قرار نگیرد، متکی باشد.

۳- «اقتدار»^{۲۳} قدرتی که مشروعیت آن بر اساس سنت یا قانون پذیرفته شده است (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۰، صص ۲۱۱-۱۹۱).

ج) همان‌طور که اشاره شد، قدرت از نظر ساختاری به دو بخش سخت و نرم تقسیم می‌گردد. قدرت سخت، قدرت آشکار و ملموسی است که منابع آن اقتصاد، تکنولوژی، سیاست، محصولات فرهنگی و آموزشی و نیروی نظامی است و داشتن آنها، موجب تغییر در موقعیت کشور یا افراد می‌شود. اما قدرت نرم، رفتار با جذابیت قابل رؤیت، اما غیرمحسوس است. در قدرت نرم، بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و از الزام و وظیفه همکاری برای رسیدن به همه خواست‌ها سود می‌جوید (غریایق

19- Beliefs

20- Actions

21- Command power

22- Co-optive power

23- Authority

زندگی، ۱۳۹۰، ص ۱۳). بر اساس این تعریف اگر منابع قدرت، مبتنی بر نوعی از ذهنیت‌ها باشد؛ یعنی بنا بر اعتقادات و باورهایی، خواسته‌های بازیگر مقابل را انجام دهد، در اینجا به جای مفهوم «اجبار»، از مفهوم «اقبال» استفاده می‌شود؛ یعنی بازیگر از روی رضایتمندی و نگاه مثبت، خواسته‌های بازیگر مقابل را انجام می‌دهد (عطارزاده، ۱۳۸۵، ص ۹).

د) معروف‌ترین تعریف در حوزه قدرت نرم را به «جوزف نای»^{۲۴}، پژوهشگر برجسته آمریکایی نسبت می‌دهند. وی در سال ۱۹۹۰ میلادی در مجله سیاست خارجی،^{۲۵} قدرت نرم را «توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران» تعریف کرد. تعریفی که قبل از وی پروفسور حمید مولانا در سال ۱۹۸۶م در کتاب «اطلاعات و ارتباطات جهانی؛ مرزهای نو در روابط بین‌الملل» به آن اشاره کرده بود (مولانا، ۱۳۸۹، صص ۵۰-۵۳).

مهم‌ترین کتاب در حوزه جنگ نرم را جوزف نای در سال ۲۰۰۴م، تحت عنوان «قدرت نرم؛ ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی» منتشر نمود. وی در این کتاب، قدرت نرم را هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وامی‌دارد، تعریف کرده است، که جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... از اشکال مختلف کاربردی قدرت نرم هستند (نای، ۱۳۸۲، ص ۲۳؛ -Nay, 1990, pp.15-17).

ه) «کنرو» از دیگر نظریه‌پردازان این حوزه است که در یک تعریف دیگر، قدرت نرم را قدرت استفاده از یک سری اقدامات پیچیده و پنهان، متشکل از عملیات‌های سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی توسط قدرت‌های بزرگ جهان برای ایجاد تغییرات دلخواه و مطلوب در کشورهای هدف دانسته که از طریق راهکارهای ذیل اجرایی می‌شود:

- ۱- تغییر باورها، استحاله عقاید و جایجایی دیدگاه‌ها با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای
- ۲- هجوم به مغزها و نه مرزها. تغییر دیدگاه‌ها و نه قرارگاه‌ها
- ۳- تقدس‌زدایی از ارزش‌ها و شبهه افکنی در اذهان
- ۴- تغییر گروه‌های مرجع و شکل‌دهی تضادهای جدید اجتماعی
- ۵- تخریب اعتمادهای موجود به ارکان و مسئولان حاکمیت در ابعاد مشروعیت و کارآمدی
- ۶- تغییر و جایجایی مفاهیم زشت و زیبا در فرهنگ جامعه و آسان‌سازی ترویج انحرافات
- ۷- هنجارشکنی، ترویج نافرمانی‌های مدنی و تکمیل حلقه مقاومت جامعه در برابر حاکمیت

24- Josep S. Nye

25- Foreign Policy

- ۸- تغییر ذائقه‌ها و شکاف بخشی کاذب فرهنگی بین نسل‌ها
 ۹- توسعه مکاتب کاذب اجتماعی، عرفانی، اقتصادی و غیره
 ۱۰- ساماندهی جدید نیروهای اجتماعی در قالب N.G.O و بهره‌برداری سیاسی از آنها
 (Kenor, 1973, pp.14-19)

و «میشل فوکو»، اندیشمند فرانسوی نیز پس از نای، از جمله نظریه‌پردازان این حوزه محسوب می‌شود. وی معتقد است در قدرت نرم نوعی اجبار (به‌طور غیرمستقیم) از نوع قدرت سخت پدیدار می‌شود و کارکردی دارد که در بسیاری از موارد، قدرت سخت از انجامش عاجز می‌ماند (کالینز، ۱۳۷۰، ص ۶۳).

علت بیان این تعاریف از سوی اندیشمندان غربی آن بود که بیشتر با مفهوم «قدرت نرم» از منظر ایشان آشنا شده و به نقاط قوت و ضعف این تعاریف و عدم کارآمدی آنها در فرهنگ اسلامی واقف گردیم. در ادامه به‌منظور پاسخگویی به این سؤال که دین مبین اسلام چه نظری در باب «قدرت نرم» داشته و چه مؤلفه‌هایی برای آن بیان کرده است، با استفاده از روش «معناشناسی» تلاش شده تا مفهوم قدرت و واژگان هم‌نشین و جانشین آن کشف و تبیین شوند.

۲-۲. واژگان هم‌نشین «قدرت» در قرآن کریم

در این بخش با استفاده از روش «معناشناسی ساختاری»، به بررسی مجموعه آیات متضمن مفهوم قدرت در قرآن کریم پرداخته و شبکه معنایی متصل بدانها را جهت ترسیم ماهیت «قدرت نرم» تبیین و ترسیم می‌نمائیم. واژه «قدرت» از ریشه «قَدَرَ»، در حدود ۱۳۲ بار، در ۵۸ سوره و ۱۲۱ آیه شریفه قرآن کریم با ساختارهای مختلفی مطرح شده است. این عبارات، در دو نسبت با خدا و بشر مورد توجه قرآن کریم بوده و بر این اساس نوعی تقسیم‌بندی خاصی را ترسیم کرده است. تکنیک معناشناسی به‌کاررفته در این پژوهش نیز برگرفته از روش معناشناسی مکتب بُن بوده و تلاش شده تا با تلفیق ایده‌های نو و متناسب با فضای موردبررسی، به ارتقاء روش موردنظر در فهم بهتر و عمیق‌تر مفاهیم قرآنی نائل شویم.

اولین گام در معناشناسی ساختاری، شناسایی واژگان «هم‌نشین»^{۲۶} می‌باشد. در معناشناسی، یکی از سطوح یا شیوه‌های بیان معنا، «هم‌نشینی» مفهوم کانونی با سایر واژگان است. (پالمر، ۱۳۸۵، ص ۱۷۰). واژگان به این معنا یک ساختمان تک لایه‌ای نیستند؛ بلکه تعدادی واژگان فرعی را شامل می‌شود که در عرض یکدیگر قرار گرفته‌اند و مرزهای متداخل با یکدیگر دارند (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ص ۱۱). هدف اصلی در هم‌نشینی بین واژگان، به هم پیوستن مفاهیم و

26 . syntagmatic

تصورات فردی هر واژه است. کلمات و واژگان در قرآن کریم تنها و جدای از یکدیگر به کار نرفته‌اند؛ بلکه در ارتباط نزدیک با یکدیگر مورد استعمال واقع شده‌اند و معنای محسوس و ملموس خود را دقیقاً از مجموع دستگاه ارتباطی که باهم دارند به دست می‌آورند. یافته‌های حاصل از بررسی آیات قرآن کریم و تأمل در معانی عمیق آنها منجر به تدوین جدول ذیل شده که در آن، همنشین های ماده «قدر» در قرآن کریم شناسایی شده‌اند:

جدول ۲: واژگان همنشین «قدر» در قرآن کریم

ردیف	آیه	آدرس	واژه جدید
۱	ثُعْرُ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ	آل عمران: ۲۶	عزت
۲	أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ	حج: ۳۹	نصرت
۳	إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ	حج: ۴۰	عزت
۴	مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ	حج: ۷۴	عزت
۵	وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَعَثُوا فِي الْأَرْضِ وَ لَكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ	شوری: ۲۷	بصیرت
۶	أَوْ يُرَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنثًا وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ	شوری: ۵۰	علم
۷	اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدَّ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا	طلاق: ۱۲	علم
۸	أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ	مائده: ۴۰	اراده
۹	وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ	نحل: ۷۰	علم
۱۰	إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ	هود: ۶۶	عزت

جدول فوق، تنها بخش کوچکی از جدول اصلی است که به علت اجتناب از طولانی شدن، بخش مختصر و البته گویایی از آن بیان شده است تا نشان دهد چه واژگانی به‌عنوان همنشین و

با چه نوع رابطه‌ای در کنار ماده معنایی «قَدَرَ» در قرآن کریم به کار رفته‌اند. در نهایت مدل مفهومی واژگان همنشین قدرت در قرآن کریم بدین صورت است:

نمودار ۱. واژگان همنشین «قدرت» در قرآن کریم



۲-۳. واژگان جانشین «قدرت» در قرآن کریم

گام دوم در روش معناشناسی ساختاری، شناسایی واژگان «جانشین»^{۲۷} است. مبنای انتخاب این واژگان بر اساس واژگان اصلی همنشین با واژه محوری است، لذا نمی‌توان واژگان جانشین را در ابتدا بدون پیمودن گام‌های مذکور انتخاب کرد، چرا که این واژگان از قبل از سوی خداوند متعال انتخاب شده‌اند و وظیفه ما کشف صحیح آنهاست و نه انتخاب آنها بر اساس مترادف معنایی یا هر مقوله‌ای دیگر.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار داد این است که آن دسته از همنشین‌ها می‌توانند در کشف جانشین اصلی راه‌گشا باشند که رابطه مکملی با واژه اصلی و محوری تحقیق داشته باشند، لذا صرفاً با شناسایی پُربسامدترین واژگان با همنشین‌ها، نمی‌توان آنها را به‌عنوان جانشین واژه محوری معرفی نمود. «رابطه جانشینی»، رابطه‌ای از نوع انتخاب و جایگزینی میان هریک از الفاظ یک زنجیره کلامی است که می‌توانند جایگزین آن شوند (بی‌برویش، ۱۳۵۵، ص ۳۱).

27. paradigmatic

پس از بررسی واژگان همنشین قدرت در قرآن کریم و بررسی دقیق آنها در جداولی مشابه آنچه گذشت، در نهایت همنشین آن همنشین ها نیز استخراج شدند تا به عنوان جانشین مفهوم «قدرت» در قرآن تبیین شوند. جدول ذیل بیانگر این واژگان است:

جدول ۳: واژگان همنشین همنشین های «قدرت» در قرآن کریم

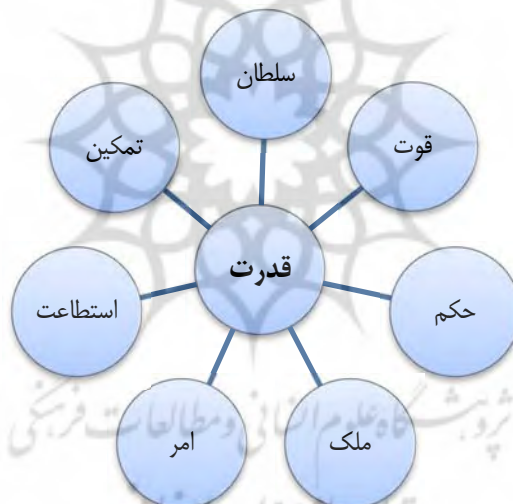
ردیف	آیه	آدرس	واژه جدید
۱	«فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ»	(ابراهیم: ۱۰)	سلطان
۲	«وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»	(اسراء: ۳۳)	سلطان
۳	«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ»	(اعراف: ۱۰)	تمکین
۴	«قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ»	(اعراف: ۲۹)	امر
۵	«أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالتَّوْبَةَ».	(انبیاء: ۸۹)	حکم
۶	«أَمْ لَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُمْكِنْ لَكُمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ جَعَلْنَا الْأَنْهَارَ يَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أُنْتُنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ»	(انعام: ۶)	تمکین
۷	«لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَ لَا شَفِيعٌ»	(انعام: ۷۰)	ولی
۸	«إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ»	(انفال: ۵۲)	قوت
۹	«وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا»	(آل عمران: ۸۳)	استطاعت
۱۰	«حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ»	(آل عمران: ۱۵۲)	امر
۱۱	«قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ»	(آل عمران: ۱۵۴)	امر
۱۲	«وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»	(آل عمران: ۱۸۹)	ملک
۱۳	«وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ»	(بقره: ۱۰۲)	ملک
۱۴	«وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ»	(بقره: ۱۰۷)	ولی
۱۵	«أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»	(بقره: ۱۰۷)	ملک
۱۶	«إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ إِنَّهُمْ ابْنُ غَنَمٍ لَنَا وَ لَنَا مُلْكًا نَقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»	(بقره: ۲۴۶)	ملک

ولی	(بقره: ۲۵۷)	«اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ»	۱۷
حکم	(بقره: ۲۶۹)	«يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا».	۱۸
قوت	(بقره: ۶۳)	«خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ»	۱۹
امر	(حجر: ۶۶)	«وَ قَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ»	۲۰
ملک	(زخرف: ۵۱)	«وَ نادى فِرْعَوْنُ فِى قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لى مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرى مِن تَحْتى»	۲۱
ملک	(طه: ۱۲۰)	«فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَّا يَبْلَى»	۲۲
قوت	(قصص: ۲۶)	«إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَزْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»	۲۳
امر	(قصص: ۴۴)	«إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ»	۲۴
ملک	(قمر: ۵۵)	«فِى مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ»	۲۵
ولی	(كهف: ۴۴)	«هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ»	۲۶
استطاعت	(كهف: ۹۷)	«فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ»	۲۷
حکم	(مائده: ۹۵)	«يُحْكُمُ بِهِ دَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ».	۲۸
حکم	(مائده: ۴۲)	«وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ»	۲۹
قوت	(نجم: ۵)	«عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى»	۳۰
سلطان	(نحل: ۱۰۰)	«إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَ الَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ»	۳۱
حکم	(نساء: ۳۵)	«فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا»	۳۲
حکم	(نساء: ۵۸)	«وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»	۳۳
ولی	(نساء: ۱۱۹)	«وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا»	۳۴
سلطان	(نساء: ۱۵۳)	«وَ آتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُّبِينًا»	۳۵
امر	(نساء: ۵۹)	«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»	۳۶
امر	(نساء: ۸۳)	«وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ»	۳۷
سلطان	(نساء: ۹۰)	«وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطْنَاهُمْ عَلَيْكُمْ»	۳۸
قوت	(نمل: ۳۳)	«قَالُوا نَحْنُ أَوْلَا قُوَّةٍ...»	۳۹

سلطان	(هود: ۹۶)	«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ»	۴۰
تمکین	(یوسف: ۵۶)	«وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»	۴۱
امر	(یونس: ۳)	«ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأَمْرَ»	۴۲

جدول فوق، فهرستی از واژگان همنشین همنشین های قدرت در قرآن کریم است که در روش معناشناسی ساختاری به عنوان جانشین های قدرت معرفی می شوند. به عبارت دیگر این واژگان، همنشین واژه های: علم، نصرت، عزت، اراده و بصیرت هستند که همنشین مفهوم قدرت می باشند. در نهایت نمودار تصویری واژگان جانشین قدرت در قرآن کریم بدین صورت است:

نمودار ۲. واژگان جانشین مفهوم «قدرت» در قرآن کریم



۳. تحلیل محتوای کیفی «قدرت نرم» از منظر قرآن کریم

در این قسمت پس از شناسایی شبکه معنایی قدرت که متشکل از واژگان همنشین و جانشین آن در قرآن کریم می باشد، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، کلیه آیات مرتبط با این شبکه معنایی احصاء و در جداول مربوطه درج گردیده و سپس مضامین کلی آنها با مراجعه تفاسیر معتبر مانند «المیزان»، «نمونه» و «نور» استخراج شده است. در نهایت و پس از مطالعه

مکرر آیات و تأمل در مضامین استخراج شده، مضامین مشترک طبقه‌بندی و از مجموع آنها مقوله‌هایی ساخته شده است که در ادامه به ۹ مورد از آنها اشاره می‌شود. این موارد نه گانه، مؤلفه‌های مفهوم قدرت نرم از منظر قرآن کریم بوده که لازم است در نظریه‌سازی این مفهوم توسط اندیشمندان و نظریه‌پردازان، مورد ملاحظه و توجه قرار گیرد. (برای آشنایی با فرایند چگونگی اجرای روش تحلیل محتوا در خصوص آیات و احادیث ر.ک: جانی پور، ۱۳۹۰، صص ۴۵-۸۴؛ جانی پور، ۱۳۹۵، صص ۴۵-۶۷).

بر این اساس از منظر قرآن کریم، قدرت از نوع نرم و معنوی آن، که لازم است جوامع اسلامی بدان دست یابند، قدرتی است که مؤلفه‌های ذیل در آن رعایت شده و مورد ملاحظه قرار بگیرند:

۳-۱. منشأ گرفتن قدرت از حاکمیت الهی

آیات متعددی در قرآن کریم دلالت بر این مطلب دارند که هر کس هر نوع قدرت، عزت، ملک و سلطنتی دارد، از سوی خداوند است، مانند آیه: «مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا . وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا . كَلَّا تُؤمَّدُ هُوَآءٌ وَهُوَآءٌ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا؛ هر کس بهره‌زندی دنیا را بخواهد و از سرای آخرت چشم‌پوشد، در این دنیا به هر کس که بخواهیم و هر اندازه بخواهیم بی‌هیچ تأخیری عطا می‌کنیم، آن گاه دوزخ را برای او مقرر می‌داریم تا ملامت شده و مطرود از رحمت خدا به آن درآید و به آتش آن بسوزد و هر کس زندگی آخرت را بخواهد و برای آن تلاشی درخور آن کند و به خدا و پیامبران ایمان داشته باشد، اینانند که تلاششان سپاسگزاری شده و مورد پذیرش خدا قرار خواهد گرفت هر دو گروه - هم دنیاطلبان و هم آخرت طلبان - را از عطا پروردگارت مدد می‌رسانیم، و برای عطا پروردگارت حد و مرزی نیست و از کسی باز داشته نمی‌شود و هر کس به قدر استحقاق خود آن را دریافت می‌کند. (اسراء: ۲۰-۱۸)

این آیات دلالت بر این دارند که: اولاً؛ ریشه و منشأ همه قدرت‌ها در دست خداوند است، و ثانیاً؛ هر کس بخواهد در دنیا به قدرتی دست پیدا کند، این قدرت به‌عنوان وسیله‌ای برای آزمایش و امتحان به او عطا خواهد شد و عطا الهی محدود به انسان‌های خوب یا بد نیست، بلکه نعمتی است که شامل همه می‌شود.

بنابراین تمام قدرت‌ها در طول قدرت الهی بوده، نه در عرض آن، و در سایه هدایت تشریحی خداوند است که قدرت‌ها جهت و مسیر صحیح خود را پیدا کرده و قدرت مشروع لقب گرفته

و از نامشروع شناخته می‌شوند. اکثر اندیشمندان و صاحب‌نظران مسلمان، شریعت اسلام را ذاتاً سیاسی می‌دانند. آنان اگرچه از دلایل متعدد برون دینی برای اثبات این مدعا استفاده می‌کنند، اما بیشتر با مراجعه به آیات قرآن تلاش می‌کنند سیاسی بودن شریعت اسلام را ثابت نمایند. در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که «حاکمیت» را از آن خداوند معرفی می‌کند و از این طریق بنیان حکومت و حاکمیت در اسلام را بر اراده الهی قرار می‌دهد.

به‌عنوان مثال خداوند متعال می‌فرماید: «وَ أَنْ اِخْتُمُ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ اِخْتَدُّهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ دُورِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ»؛ و به تو فرمان دادیم که میان آنان بر طبق آنچه خدا نازل کرده است، حکم کن و از خواسته‌هایشان پیروی مکن و از آنان بر حذر باش که مبدا تو را بلغزانند و از برخی از آنچه خدا به سوی تو فرو فرستاده است بازگردانند. پس اگر از دعوت تو روی برتافتند بدان که خدا می‌خواهد آنان را به سزای برخی از گناهانشان به گمراهی کشاند، و بی‌گمان بسیاری از مردم از راه خدا بیرون می‌روند. (مائده: ۴۹)

حاکمیت الهی به‌عنوان مهم‌ترین اصل حاکم بر اندیشه سیاسی اسلام دلالت دارد. به گفته برخی محققان، معنای این آیات چنین است که خدای تعالی به‌عنوان قانون‌گذار به حاکم، چه پیامبر یا امام باشد یا غیر آن دو، از کسانی که شرایط حاکم اسلامی را دارند، حق حکومت قانونی در میان مردم را داده است تا در میان مردم به آنچه خداوند فرموده، حکم کنند.

همچنین برخی آیات قرآن حاکی از آن هستند که آدمی نمی‌بایست برای خویش استقلالی در قدرت قائل باشد، چرا که هر قدرتی، حتی کمترین نیرو و اراده لازم برای امور ناچیز، وابسته به قدرت و اراده باری تعالی است: «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا . إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»؛ و هرگز در مورد کاری که آهنگ آن را داری مگو: قطعاً من فردا آن را انجام می‌دهم مگر اینکه به همراه آن بگویی: اگر خدا بخواهد (کهف: ۲۴-۲۳).

۲-۳. منشأ گرفتن قدرت از عزت الهی

از آنجاکه مفهوم لغوی «عزت»، شکست‌ناپذیری است و با واژه قدرت از نظر مفهومی هم‌خانواده است، لذا پیوسته با قدرت ملازمه داشته و چهره دیگری از ابعاد قدرت نرم که می‌توان آن را «قدرت معنوی» یا «قدرت اجتماعی» نامید، را بیان می‌کند. در قرآن کریم منشأ عزت نیز همانند قدرت، از جانب خداوند متعال دانسته شده که تأییدی بر هم‌ریشه بودن این دو واژه در حوزه ادبیات نظری قدرت نرم در قرآن کریم است، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ

فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا؛ هر کس عزت می‌طلبد، باید آن را از خدا و در بندگیِ خالصانه او بجوید (فاطر: ۱۰).

همچنین این واژه در حالت توصیفی، عموماً با دیگر اوصافی از خداوند متعال هم‌نشین شده که با قدرت تناسب دارند، مانند: «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ و قطعاً خدا کسانی را که او را یاری می‌دهند یاری خواهد کرد، چرا که خدا نیرومند و شکست‌ناپذیر است (حج: ۴۰)، «كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُذَّابًا فَأَخَذْنَاَهُمْ أَخَذَ عَزِيزٌ مُّقْتَدِرٌ»؛ ولی آنان همه آیات ما را دروغ انگاشتند، ما هم آنان را به عذاب گرفتیم، گرفتن شکست‌ناپذیری مقتدر (قمر: ۴۲) و «وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ»؛ و اگر از آنان بپرسی آسمان‌ها و زمین را چه کسی آفریده است؟ قطعاً خواهند گفت: آنها را خدای مقتدر و دانا آفریده است (زخرف: ۹).

آفرینش، منوط به دو حقیقت علم و قدرت است و کسی که چنین جهانی را آفریده، از قدرت و علم مطلق برخوردار است و از این رو عزیز همراه با علیم به‌کاررفته است.

۳-۳. منشأ گرفتن قدرت از مالکیت حقیقی الهی

در قرآن کریم همه قدرت‌ها اعم از خوب و بد، منتسب به خداوند دانسته شده است: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (بقره: ۱۶۵)، «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ امر آن است که خدا خواسته است و هیچ قدرتی جز در پرتو قدرت خدا نیست (کهف: ۳۹)، «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ بگو: خداوند، ای کسی که فرمانروایی ملک توست، به هر که خواهی فرمانروایی می‌بخشی و از هر که خواهی فرمانروایی باز می‌ستانی. هر که را خواهی ارجمند می‌داری و هر که را خواهی خوار می‌سازی، زیرا نیکی‌ها همه به دست توست، چرا که تو بر هر کاری توانایی (آل عمران: ۲۶).

همچنین سلطنت بر دیگران و تملک اموال نیز در ادبیات قرآنی، نماد قدرت دانسته شده، چنانکه بزرگترین قدرت انسان، تسلط بر دیگران است که همان «قدرت اجتماعی» می‌باشد. خداوند متعال در قرآن کریم، در ضمن آیات متعددی، مسئله «ملک» و قدرت مطلق داشتن را نیز به خودش منتسب کرده و می‌فرماید: «أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ» (بقره: ۱۰۷) و «وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۱۸۹).

به‌عنوان مثال در مواردی که مشرکان و کافرانی همچون فرعون قصد عرض اندام در مقابل خداوند را داشته و سرکشی می‌نمایند، قدرت نداشتن و ضعیف بودن آنها را به رخشان می‌کشد

و می فرماید: «أَمْ هُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ»؛ یا اینکه مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین و آنچه میان این دو است از آن آنهاست؟! (پس اگر چنین است بگو: اگر می توانید) با هر وسیله ممکن به آسمانها بروید. (ص: ۱۰) و «وَ نَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَ فَلَآ تُبْصِرُونَ»؛ فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی بینید؟ (زخرف: ۵۱).

بی شک از جمله ویژگی های فکری و اخلاقی فرعون که او را به سقوط کشاند، این بود که اولاً؛ این قدرت ها را در اصل از آن خود می دانست و ثانیاً؛ قدرت خود را بالاترین حدی از قدرت می دانست که انسان ظرفیت رسیدن به آن را دارد، و بر همین اساس بود که سرمستانه ادعای خدایی کرد و آشکارا به مردمش می گفت: «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى»؛ و گفت: منم برترین پروردگار شما» (نازعات: ۲۴).

۳-۴. ارزش گذاری قدرت ذیل قدرت الهی

در یک مرور اجمالی بر آیات شریفه قرآن کریم مشاهده می شود که این کتاب آسمانی مخاطب خویش را دعوت به تأمل در معنای مفهوم قدرت در قالب تقسیمات روشن و معنادار ذیل عناوین «قدرت الهی و قوت بشری»، «قدرت رحمانی و قدرت شیطانی»، «قدرت سخت و قدرت نرم» و تفاوت های هر کدام نموده است. از نظر قرآن همچنین همه انواع و اقسام قدرت از نوع جسمی، علمی، سخت و معنوی حالتی ارزشمند است و تلاش برای کسب آن یا کوشش برای افزایش آن امری شایسته است (ر.ک: هود: ۵۲).

باین همه، خداوند در آیاتی از جمله ۵۱ و ۵۲ سوره زخرف و ۷۶ و ۷۹ سوره قصص، قدرت به ویژه دنیوی و سخت آن را ملاک ارزش گذاری به شمار نمی آورد و درصدد انتقاد از کسانی است که قدرت و ثروت را همچون فرعون، تنها ملاک ارزش انسان می دانند و به عالمان بنی اسرائیل هشدار می دهد که به جای قدرت و ثروت دنیوی، به پاداش های اخروی الهی توجه یابند: «إِنَّ قُرُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَ ءَاتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ ... أَوْ لَمْ يَعْلَمِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا ... قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ . وَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَن ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ لَا يُلْعَنُهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ (قصص: ۷۶-۸۰).

قدرت از سنخ سخت و نرم، مطلوب عقل و خرد آدمی است. بر این اساس شاید بتوان چنین گفت که قدرت دارای ارزش عقلانی است و صاحبان خرد و اندیشه آن را نیک و خوب

ارزیابی می‌کنند. به همین دلیل است که خداوند متعال با توجه به حکم عقل و خرد، مطلوب بودن و ارزشی بودن آن را مورد توجه قرار می‌دهد و از انسان می‌خواهد تا آن را در جایگاه درست و شایسته خود بکار گرفته و به غایت الهی خویش دست یابند. از این روست که در آیاتی از جمله ۷۵ سوره نحل با اشاره به نیکو بودن قدرت در نزد خردمندان، ایشان را به تدبیر در امور خود می‌خواند و از ایشان می‌خواهد تا قدرت را از خاستگاه درست آن بخواهند: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ مِنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ» (نحل: ۷۵)

بنابراین، در قرآن کریم به نوعی سخن از قدرت خوب و قدرت بد به میان آمده است. قدرتی که در صورت استفاده بجا و درست و در راه کمال الهی و رحمانی و در خلاف این امر شیطانی محسوب می‌شود. از جمله در آیه ۱۷ سوره قصص، به کارگیری قدرت در جهت تقویت مجرمان را قدرت بد دانسته و در آیه ۴۱ سوره حج، به کارگیری آن را برای اقامه نماز و امر به معروف و احقاق حق نیازمندان و پرداخت زکات را به عنوان قدرت خوب شناسایی و ترغیب می‌نماید.

این دسته آیات که بیانگر قدرت‌های خوب و بد و استفاده درست یا نادرست انسانها از آن است، عبارتند از:

«قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ» (قصص: ۱۷)

«وَ إِلَىٰ عَادِ آخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ... وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود: ۵۰ و ۵۲)

«أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُمَكِّنْ لَكُمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ جَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أُنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ» (انعام: ۶)

«لَمْ تَرَ إِلَىٰ الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَ أُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۲۵۸)

۳-۵. تمایز قدرت الهی و قوت بشری

با توجه به تعداد و نوع بیان آیات متعدد قرآن در توصیف و توضیح قدرت در نسبت باخداوند متعال و بشریت، این نتیجه حاصل می‌شود که واژه «قدرت» در قرآن کریم تنها برای اشاره به قدرت مطلق خالق هستی بکار برده شده که منشأ تمام قدرت‌ها و سرچشمه هر قدرتی، ارده و

توان اوست. و از طرفی واژه «قوت» نیز بیانگر مواضعی است که در آن بشر، صاحب توان و قدرت و استطاعت شناخته شده که شامل انواع مختلف بوده و سنخ این توانمندی و منشأ آن نیز قابل توجه و بررسی است. بر این اساس می توان چنین بیان نمود که اختصاص واژه قدرت به الله و قوت به بشر، یکی از نکات اصلی و قابل توجه در بررسی این مفهوم از نظر قرآن کریم است. از این موضوع می توان چنین استفاده کرد که مبنا و منبع اصلی قدرت نرم در جامعه اسلامی، ایمان به خدا و اتکاء به اوست و سپس به قدرت مردم در زیر سایه الله. به عنوان نمونه می توان به آیا ذیل در این رابطه اشاره کرد:

«يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَ صَبِيًّا» (مریم: ۱۲)

«وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

(بقره: ۶۳)

«وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا ...»

أَمْرَكُمْ بِهِ إِيمَانَكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (بقره: ۹۳)

«إِنَّ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا» (نساء: ۱۴۹)

۳-۶. تأکید بر کسب قدرت برای مدیریت جامعه

در نگاه قرآن کریم، برخورداری از قدرت به شرط عبودیت و بندگی، یکی از ویژگی های ممتاز انسان ها شناخته شده است. بدون شک برخورداری از چنین قدرتی نه تنها موجب فساد و انحراف نشده، بلکه مقدمات رشد و تعالی و پیشرفت به سمت کمال عبودیت و خدمت رسانی به دیگران را نیز فراهم می آورد. قرآن کریم در مواردی، به این ویژگی و مزیت برخی بندگان صالح و انبیاء خود اشاره کرده است. به عنوان مثال در خصوص حضرت موسی (ع) از زبان دختران شعیب می فرماید: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»؛ (یکی از دختران شعیب) گفت: ای پدر، او را برای کارهایت استخدام کن، که هم توانا است و هم درستکار، و بهترین کسی که استخدام می کنی، آن کس است که نیرومند و امین باشد (قصص: ۲۶).

از محتوای این آیه برداشت می شود که مهم ترین و اصولی ترین شرط مدیریت و تصدی مسئولیت ها، برخورداری از دو صفت قوت و امانت داری است. بدیهی است که منظور از قدرت در آیات قرآن، تنها قدرت جسمانی نیست، بلکه مراد قدرت و قوت بر انجام مسئولیت است که می توان از آن به قدرت نرم نیز تعبیر کرد. یک مدیر قوی کسی است که حوزه مأموریت خود را به خوبی بشناسد، از انگیزه ها با خبر باشد، در برنامه ریزی مسلط و از ابتکار کافی برخوردار و در تنظیم کارها ماهر باشد. هدف ها را روشن و نیروها را برای رسیدن به هدف بسیج کند. در عین

حال، دلسوز و خیرخواه و امین و درستکار باشد. آنها که در سپردن مسئولیت‌ها و کارها تنها به امانت و پاکی قناعت می‌کنند، به همان اندازه در اشتباهند که برای پذیرش مسئولیت، داشتن تخصص را کافی می‌دانند. منطق اسلام این است که هر کار باید به دست فردی نیرومند و توانا و امین باشد تا نظام جامعه به سامان رسد. اگر در علل زوال حکومت‌ها در طول تاریخ بیندیشیم می‌بینیم که عامل اصلی، سپردن کار به دست یکی از دو گروه است: مدیران خائن و پاکان غیر مدیر؛ که نتیجه کار هر دو یکی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۶۶).

۳-۷. نهی از برتری طلبی در کسب قدرت

از جمله رهنمودهایی قرآن کریم درباره قدرت و چگونگی استفاده از آن، این است که کسب قدرت نباید باهدف برتری طلبی باشد، بلکه هدف از کسب قدرت می‌بایست، خدمت به بشریت و استفاده جهت رشد و تعالی معنوی و رسیدن به کمال انسانی باشد.

بر این اساس اگر حرکتی که ناشی از قدرت طلبی انسان است، به طرز صحیح هدایت نشود، شخص در آغاز دچار انحراف اخلاقی و در مرحله بعد مرتکب گناهان کبیره شده و در نهایت به کفر و شرک و فرعونیت مبتلا خواهد شد، چنانکه فرعون نیز باهدف برتری طلبی، به سمت کسب قدرت حرکت کرده: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ»؛ محققاً، فرعون در آن سرزمین برتری یافت (قصص: ۴) و «إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ»؛ فرعون، برتری جویی در زمین داشت و از اسرافکاران بود (یونس: ۸۳)، ولیکن از آنجاکه برتری طلبی و سرکشی، مهم‌ترین موانع وصول به جهان جاودان آخرت هستند: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا»؛ این جهان آخرت را قرار داده ایم برای کسانی که در پی برتری طلبی در روی زمین و فساد نباشند (قصص: ۸۳)، لذا در نهایت عاقبت کار فرعون به طغیان گری و چشیدن عذاب الهی می‌رسد: «أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه: ۲۴) و «وَ أَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ كُلُّ كَانُوا ظَالِمِينَ»؛ و فرعونیان را غرق نمودیم (چون) همه آنها ظالم (و ستمگر) بودند (انفال: ۵۴).

البته باید توجه داشت که منظور قرآن در نهی از برتری طلبی، بدین معنا نیست که انسان باید به آنچه دارد، قانع باشد و هرگز در فکر صعود به مقام‌های بالاتر نیفتد، بلکه قرآن هیچگاه انسان‌ها را به رکود و توقف وانمی‌دارند و این حقیقت را گوشزد می‌کند که برتری‌های مادی و زمینی که بسیاری بدان دل بسته اند، حقیقت ندارند؛ و برتری حقیقی، تنها در نزد خداوند آن هم به واسطه تقوا صورت می‌گیرد: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات: ۱۳)

برتری‌های دروغین انسان را از رسیدن به برتری‌های حقیقی باز می‌دارند. بینش قرآنی به ما می‌آموزد که برتری‌های مادی، در واقع هدف نهایی و آخرین نقطه تعالی انسان نیستند و مطلوبیت

ذاتی ندارند، بلکه وسیله‌ای هستند برای وصول به کمال انسانیت و ارزش آنها عرضی است و در پرتو ارزش ذاتی اهداف نهایی و در مسیر وصول به آنها تحقق می‌یابد. قرآن کریم به ما می‌آموزد که انسان در مسیر این گرایش، اگر درست قدم بردارد و در جهت صحیح حرکت کند، چنان اوج می‌گیرد که در جوار خدای عزیز و مقتدر مطلق قرار می‌گیرد: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ . فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ»: محققاً پرهیزکاران در باغ‌ها و نهرها قرار دارند؛ در جایگاه درست نزد پادشاه قدرتمند (قمر: ۵۵-۵۴).

در نهایت باید گفت که طلب قدرت از منظر قرآن کریم، فی نفسه هدف نیست، بلکه ابزاری است برای توسعه و تبلیغ دین و نشر حقایق و ایجاد بسترهای مناسب جهت دین داری. آیاتی از قرآن کریم به درخواست حضرت سلیمان(ع) و برخی پیامبران الهی که از خداوند قدرت فوق العاده ای را می‌طلبیدند، اشاره کرده و بر این مطلب که هر قدرتی را می‌بایست از خداوند و با رضایت خداوند طلب نمود، تأکید کرده است: «وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي»؛ خدایا به من قدرتی عطا فرما که برای هیچ کس دیگری پس از من روا نباشد (ص: ۳۵).

مشخص است که قدرت مورد درخواست حضرت سلیمان(ع)، هدف اصلی او نبوده و به آن دل بستگی نداشته است، بلکه قدرت را می‌خواست تا در سایه آن، دین خدا را رواج دهد و قدرتمندان مشرک و غیر مسلمان را به سوی آیین حق بکشاند. بنابراین، او چنین قدرتی را می‌خواست تا از آن به صورت وسیله‌ای برای وصول به کمالی برتر بهره‌برداری کند. به همین دلیل او هرگز از توانمندی فراوان خود سوء استفاده نمی‌کرد و از اینجاست که قرآن با تعبیر لطیف خود می‌گوید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»؛ ای مردم شما نیازمندان به خدا هستید و خداوند بی نیاز و ستوده است (فاطر: ۱۵). «خداوند متعال با این تعبیر، توجه می‌دهد که انسان نباید هیچگاه فقر ذاتی خویش را فراموش کند تا برسد به آن کمالی که می‌تواند برسد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۲).

۳-۸. نبرد همیشگی حق و باطل بر سر قدرت نرم

مبارزه حق و باطل از روز اول خلقت، با جنگ و مبارزه حضرت آدم و شیطان آغاز شد و با مبارزه هابیل و قابیل، ابراهیم و نمرود، موسی و فرعون، حضرت علی(ع) و معاویه و امام حسین(ع) با یزید ادامه پیدا کرد و تا قیامت نیز ادامه خواهد داشت. چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» (انعام: ۱۱۲)؛ اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم.

در این مبارزه، حق می ماند و باطل محو می گردد؛ لیکن پیروزی حق بر دو گونه است: یکی مقطعی و دیگری نهایی است. اگر طرفداران حق استقامت داشته باشند و منحرف نشوند، پیروز خواهند شد و در مقاطع مختلف غالب هستند، اما پیروزی نهایی با ظهور حضرت حجت (عج) حاصل می شود و حکومت جهانی حق، محقق می گردد: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء: ۸۱).

مسئله حاکمیت و پیروزی نهایی انبیاء و پیام ایشان مطلبی است که با بیانهای مختلفی در قرآن کریم بر آن تأکید شده، همچون: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ، إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ، وَ أَنْ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (صافات: ۱۷۲)

آیا مقصود قرآن در این آیه، غلبه نظامی با استفاده از ابزارهای قدرت سخت است؟ قطعاً این گونه نیست، چون قرآن در مواردی از کشته شدن ناحق انبیاء سخن می گوید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يُقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يُقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ» (آل عمران: ۲۱)، پس قطعاً مقصود پیروزی نظامی نیست بلکه پیروزی معنوی اهل حق با بهره گیری از ابزارهای قدرت نرم است، چون جنگشان اعتقادی و بر پایه معارف دینی است.

درست است که از نظر ظاهری برخورد نظامی هم وجود دارد، اما گاهی برخوردها جنبه نظامی ندارد، بلکه گاه ماهیت سیاسی یا اقتصادی و فرهنگی دارند؛ یعنی طرفین برای تسلط بر منابع ثروت می جنگند. بعضی از جنگها و مبارزهها هم جنبه اعتقادی و ایدئولوژیکی دارند و چون حامل یک فکر و عقیده و ایدئولوژی هستند، تلاش می کنند مانع را از سر راه عقیدهها بردارند یا اینکه می خواهد راهی پیدا کند تا عقیده اش را در دنیا تبلیغ کند. همه این موارد زیرشاخه های قدرت نرم است.

قرآن کریم مبارزه همیشگی حق و باطل و در نهایت پیروزی حق را به صورت مثلی بسیار جالب و پر معنی بیان داشته است: «انزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَ مِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَ الْبَاطِلَ» (رعد: ۱۷).

خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد. در اثر ریزش این باران بر کوهها و بلندیها، سیلی در وادیها و رودخانهها به اندازه ظرفیتشان به راه افتاد. پس این سیل، کفی را روی خود حمل کرد. همان گونه که وقتی فلزی را روی آتش می گذازند تا از آن زیور یا وسیله ای بسازند چنین کفی در سطح آن آشکار می شود (مواد اصلی ته نشین شده و مواد زائد و به درد نخور روی آن را می گیرد) اینچنین خدا حق و باطل را مثال می زند. و اما کف می رود و نیست و نابود می شود و اما آنچه به مردم سود می رساند در زمین باقی می ماند. خدا مثلها را این چنین بیان می کند. از این

مثال قرآنی چند نکته جالب استفاده می‌شود که همه آنها در رابطه با مؤلفه‌های قدرت نرم مصداق پیدا می‌کند:

- ۱- نمود داشتن باطل و اصیل بودن حق
- ۲- طفیلی بودن باطل و استقلال حق
- ۳- غلبه ظاهری باطل و پیروزی نهایی حق
- ۴- فناپذیری باطل و جاودانگی حق.

۳-۹. معرفی زمینه‌های ظهور قدرت الهی

یکی دیگر از نکات بارز و چشمگیر در بررسی مفهوم قدرت در لایه‌های معنایی قرآن کریم، اشاره آیات شریفه به انواع مصادیق و زمینه‌های بروز قدرت خدای متعال در نسبت با موجودات هستی، انسان و فرشتگان است. عباراتی چون: «إن الله على كل شيء قدير» و «و الله على كل شيء سديد» و مشابه آن در انتهای آیات این موضوع، خواننده این متن موثق، جامع و هدفمند را به این سو می‌کشاند تا در سیاق آیه موردنظر و حتی آیات پیش از آن به جستجوی زمینه و مصداق و سنخ قدرت بیان شده در آنها بپردازد. در این بخش از نوشتار، به بیان چند مورد از موارد بسیار که هر کدام جداگانه با توجه به سیاق سوره و آیات بررسی گشته، اکتفا می‌گردد.

۱- قدرت خداوند بر اعطای بخشش و مغفرت و متقابلاً عذاب و کیفر الهی هر کس که بخواهد: «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَعْلَمُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۲۸۴)

۲- قدرت و توان خالق هستی بر ایتاء ملک و گرفتن آن و عزت بخشی و ذلت پذیری به هر آن کس که بخواهد: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۲۶)

۳- علم و قدرت خداوند بر هر چه که آشکار و پنهان است در عالم هستی و سینه‌های مردم: «قُلْ إِنْ تُخَفُّوْا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبَدُّوْهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۲۹)

۴- میراندن و زنده کردن هر آن کس که اراده کند و بخواهد: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (مائده: ۱۷)

۵- ارسال رسل و مبشر و منذر به منظور هدایت تمامی انسانها: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (مائده: ۱۹)

۶- اشاره به این امر که هرآنچه که به انسان از سوی خدا برسد، چه مصیبت چه خیر؛ کسی یا چیزی توانایی رد و یا باز پس گرفتن آن را ندارد: «وَ إِن يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِن يَمَسُّكَ بَخِيرٌ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انعام: ۱۷)

۷- قدرت رجوع و بازگشت همه عالم به سوی خداوند، در دست او خداوند است: «إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (هود: ۴)

۸- قدرت بر خلقت انسان از نطفه‌ای پست و بی ارزش و پس از توانمند شدن، مجدد ضعیف گردانیدن: «وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّيْكُمْ وَ مِنْكُمْ مَن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ» (نحل: ۷۰)

۹- خلقت آسمانها و زمین در چند مرحله و برپا کردن صحنه قیامت در کوتاهترین زمان ممکن همچون برهم زدن چشمی: «وَ لِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (نحل: ۷۷)

۱۰- حیات بخشی دوباره به مردگان در قیامت و زنده کردن طبیعت سرد و بی روح در فصل بهار: «فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (روم: ۵۰)

۱۱- بسط رزق به هر بنده‌ای و هر مقدار که بخواهد: «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (عنکبوت: ۶۲).

نتیجه‌گیری

این پژوهش بیشتر به دنبال تبیین و تنویریه کردن روش تحقیقی مناسب و کارآمد برای کشف و شناسایی یک موضوع جدید و مسائل مستحدثه در قرآن کریم و استخراج آیات مربوط به آن بوده و از آنجاکه مؤلف تاکنون پژوهش‌های متعددی با استفاده از روش‌های تحقیق متن پژوهی در نصوص دینی انجام داده، در نهایت به این نتیجه رسیده که یکی از روش‌های تحقیق مناسب برای بحث از موضوعات جدید در قرآن کریم، استفاده هم‌زمان و توأم از دو روش «معناشناسی ساختاری» و «تحلیل محتوای کیفی» می‌باشد که هرکدام کارکردهای خاص خود را داشته و شامل فنون و تکنیک‌های متعددی می‌شوند.

در این مقاله تلاش شد تا نظریه «قدرت نرم» به عنوان یکی از مباحث جدید حوزه علوم سیاسی، با استفاده از این دو روش، در قرآن کریم شناسایی شده و تاحدودی پیرامون آن بحث شود. مؤلف این مقاله به هیچ عنوان مدعی استخراج الگوی تام این نظریه در قرآن کریم نمی باشد، بلکه صرفاً به دنبال تبیین کارآمدی روشی برای شناسایی مؤلفه های این نظریه در قرآن بوده و تلاش کرده تا مفید بودن و چگونگی عملکرد این روش ها را به تصویر بکشد.

در نهایت، نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که:

۱. معناشناسی ساختاری قدرت در قرآن کریم نشان می دهد که این واژه، با واژگان: «علم، عزت، اراده، بصیرت و نصرت» «همنشین» بوده و برای درک مفهوم قدرت، لازم است حتماً آیات متضمن این واژگان نیز ملاحظه شوند. در گام دوم استفاده از روش معناشناسی ساختاری، لازم است که با بررسی همنشین های ماده «قدرت» در قرآن، همنشین آن همنشین ها نیز در آیات با ساختار مشابه استخراج شوند که اصطلاحاً بدانها واژگان «جانشین» گفته می شود که عبارتند از: «سلطان، ولایت، قوت، استطاعت، تمکین و حکومت».
۲. در مرحله دوم این پژوهش، کلیه آیات مستخرج به عنوان همنشین و جانشین مفهوم قدرت در قرآن کریم، در جداول تحلیل محتوا، مورد تحلیل کیفی قرار گرفته و مضامینی از آنها استخراج گردید که در نهایت پس از دسته بندی موارد مشترک، تعداد ۹ مقوله کلی به عنوان مؤلفه های قدرت نرم از منظر قرآن کریم استنباط شدند که عبارتند از:

۱. منشأ گرفتن قدرت از حاکمیت الهی
۲. منشأ گرفتن قدرت از عزت الهی
۳. منشأ گرفتن قدرت از مالکیت حقیقی الهی
۴. ارزش گذاری قدرت ذیل قدرت الهی توسط آموزه های وحیانی و عقل
۵. شناسایی وجوه تمایز قدرت الهی و قوت بشری
۶. تأکید دین اسلام بر کسب قدرت برای مدیریت جوامع بشری و تمدن سازی اسلامی
۷. نهی از برتری طلبی در کسب قدرت
۸. توجه به نبرد همیشگی حق و باطل بر سر کسب قدرت
۹. معرفی زمینه های ظهور قدرت الهی در جهان هستی
۳. نهایت آنکه انگاره قدرت نرم در گفتمان غربی، تک بعدی و ناظر بر وجه مادی قدرت انسان بوده و لذا میان قدرت و اخلاق، تفکیک قائل شده و از درک سایر منابع قدرت عاجز می باشد، حال آنکه در نگاه قرآنی، این نظریه از ساحت های متعددی برخوردار بوده و در

آن، علاوه بر قدرت، به ابعاد دیگر روحانی و اخلاقی قدرت نیز اشاره شده است. قدرت در دین مبین اسلام، نه تنها ابزاری برای فساد و انحراف نیست و تهدید محسوب نمی‌شود، بلکه می‌تواند فرصت و ابزاری برای تربیت انسان‌هایی معنوی و متعالی باشد.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- افتخاری، اصغر و دیگران (۱۳۹۴)، «نظریه قدرت نرم در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب»، *دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم*، سال ششم، شماره ۱.
- افتخاری، اصغر؛ کرباسی، وحید؛ کمالی اندانی، علی (۱۳۹۴)، «نظریه قدرت نرم در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب»، *پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم*، سال ۶، شماره ۱.
- افتخاری، اصغر؛ هرسیج، حسین؛ مرتضوی، سیدعلی (۱۳۹۴)، «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر آیات قرآن»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، سال چهارم، شماره ۱۴.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱ش)، *خدا و انسان در قرآن*؛ ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار. باردن، لورنس (۱۳۷۵): *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بشیر، حسن (۱۳۸۷)، *تحلیل گفتمان؛ دریچه‌ای رو به فهم متن*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- بی‌برویش، مانفرد (۱۳۵۵ش)، *زبان‌شناسی جدید*، ترجمه: محمدرضا باطنی، تهران: انتشارات آگاه. پاکتچی، احمد، (۱۳۸۷)، *تاریخ تفسیر قرآن کریم*، تنظیم: محمد جانی پور، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- پالمر، فرانک (۱۳۸۵ش)، *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه: کورش صفوی، تهران: نشر مرکز.
- پیشگاهی فرد، زهرا و همکاران، (۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیستم، شماره ۶۱.
- جانی پور، محمد (۱۳۹۰)، *اخلاق در جنگ؛ تحلیل محتوای مکاتبات امیرالمؤمنین و معاوی، ه*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- جانی پور، محمد (۱۳۹۵)، «کارکردهای کیفی استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث»، *دوفصلنامه رهیافتهای قرآن و حدیث*، مشهد: دانشگاه فردوسی، شماره ۲۴.

- حدادی، آمنه، (۱۳۸۹)، *حس فرامتن در قرآن*، تهران: دانشگاه تربیت معلم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلم.
- صفوی، کوروش، (۱۳۸۲)، *معنی شناسی کاربردی*، تهران: همشهری.
- صفوی، کوروش، (۱۳۸۷)، *درآمدی بر معنی شناسی*، تهران: سوره مهر.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۵)، «بسیج ترجمان آرمان‌های دفاعی امام خمینی (ره) در پاسداشت امنیت ملی»، *مجموعه مقالات علمی کنگره سرداران و شهیدان استان همدان*، همدان: انتشارات دازشگاه بوعلی سینا.
- غریب‌زندی، داود (۱۳۹۰)، «چیستی معنا و مفهوم امنیت نرم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۴۵.
- فاضلی، محمد، (۱۳۸۳)، *گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی*، پژوهش‌نامه علوم انسانی اجتماعی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم: هجرت.
- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- کالینز، جان ام، (۱۳۷۰)، *استراتژی بزرگ: اصول و رویه‌ها*، ترجمه کورش بایندر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی امور خارجه.
- کرپیندورف، کلوس (۱۳۷۸)، *مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نائینی، انتشارات روش.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۱)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ ششم، تهران: انتشارات توتیا.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، *جمهوری اسلامی و قدرت نرم*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- لوکس، استیون (۱۳۷۰)، *قدرت فرآیند سانی یا شرّ شیطان*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مختار عمر، احمد، (۱۳۸۶)، *معناشناسی*، ترجمه سید حسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مهدوی، اصغر آقا؛ نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۰)، «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار: رویکرد قرآنی»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، شماره ۱۴، صص ۱۶۷-۲۰۴.
- مولانا، حمید (۱۳۸۹)، *اسلام و غرب*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- نای، جوزف (۱۳۸۲)، کاربرد قدرت نرم، ترجمه سیدرضا میرطاهر، تهران: نشر قومس.
- French, J.R. p. & Raven. B. (1959). *The Bases of Social power*. In D. cartwrih studies in social power, Ann Arbor: university of michigan.
- Kenor, G. H (1973), *Politics Among Nations*, NewYork: Alfred press.
- Nye, Josep S. (1990), "soft power", *Foreign Policy*, fall, NewYork.

